

بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران

علی سلیمی^۱

چکیده

در این مقاله به بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران پرداخته می‌شود. این منشور شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آنها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم، تلاش جدی و فراگیر خود را اعمال خواهد کرد. اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری منبعت از منشور حقوق شامل مواردی مانند: اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون‌مداری، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف، بیطرفی قضایی، بهره‌گیری غیر تبعیض‌آمیز شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی، امکان فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران در نظام اداری، بهره‌گیری شهروندان از فرصت‌های شغلی مناسب و غیره می‌باشد. راه‌های تقویت این اصول این می‌باشد که، واحدهای ارزیابی عملکرد و بازرسی، با هدف ارتقای اثربخشی و کارایی باید سازماندهی مجدد شود تا به لحاظ راهبردی و کارشناسی رویه‌ها اصلاح و یا تقویت شود. نظام اداری مورد مطالعه بیشتر براساس مناسبات و روابط مبتنی است و باید هدف کاهش مناسبات عشیره‌ای و جایگزینی ضوابط قانونی باشد. حاکم کردن ضوابط به جای روابط در نظام اداری اقدامی تدریجی، بلندمدت است که باید براساس اولویت‌ها دنبال شود تا موقعیت شهروندان در نظام اداری ارتقا یابد و منجر به افزایش رضایتمندی آنان شود. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و استفاده از منابع حقوقی اعم از مقاله یا کتب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: اصول و مبانی، حقوق شهروندی، ایران، نظام اداری

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان ali_Salimi49@yahoo.com

مقدمه

در حال حاضر حقوق شهروندی از مباحث مهم حقوقی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی است. مانند بسیاری از مفاهیم حقوقی، در مورد اینکه «شهروند کیست و چه حقوقی دارد؟»، «دارای چه اصولی است؟»، «انواع حقوق شهروندی کدام است؟» اتفاق نظر وجود ندارد. قدر مسلم این است که اصطلاح حقوق شهروندی به تازگی وارد ادبیات حقوقی کشور ما شده است و بطور روزافزون اهمیت بیشتری می‌یابد. بطور سنتی در اکثر تعاریف، شهروند را معادل تبعه دانسته‌اند، شهروند شخصی است که عضو یک جامعه سیاسی به نام دولت-ملت است. شهروند کسی است که از حقوق مدنی-سیاسی و امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است. یکی از بارزترین دغدغه‌های مردم و ملت‌ها در کشورهای غیرسلطه‌گر در عصر حاضر، حفظ استقلال سیاسی - اجتماعی و تلاش برای دستیابی به وضعیت بهینه زندگی فردی و جمعی است. یکی از شاخص‌ترین نشانه‌های موفقیت در این راه، حقوق شهروندی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از شاخص‌ترین متون است که بر حقوق انسانی اجتماعی تأکید بنیادینی دارد. در اصل دوم قانون اساسی، ایمان به خدای یکتا و کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا پایه نظام جمهوری اسلامی محسوب شده است، که هرگونه ستمگری و ستم-کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را نفی می‌کند و «قسط، عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند. همچنین در اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف شده است که برای نیل به اهداف مذکور امکانات را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار، طرد کامل استعمار، محو هرگونه استبداد و خودکامگی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد فراهم آورد. بدین ترتیب در متن قانون اساسی، انواع حقوق شهروندی (مدنی، اجتماعی، مردمی) از ارکان نظام جمهوری محسوب شده است. روش تحقیق در این مقاله مطالعه و استفاده از منابع حقوقی اعم از مقاله یا کتب به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۶۸

حقوق شهروندی در جهان

به نظر می‌رسد که شهروندی‌ها با یکدیگر فرق می‌کنند و این فرق‌ها لزوماً به معنای بهتر یا بدتر بودن‌شان نیست؛ گرچه در جامعه مردسالار این زنان‌اند که معمولاً حقوق‌شان پایمال شده و در بدترین موقعیت قرار می‌گیرند. باتوجه به این امر، به نظر دیویس، مطالعه تطبیقی شهروندی اگر قرار است دموکراتیک باشد و باورمند به برابری حق‌های عمومی، باید مسأله شهروندی زنان را نه فقط در برابر شهروندی مردان که در

عین حال در ارتباط با تعلق زنان به گروه‌های مختلف تحت سلطه و سلطه‌گر، قومیت آنان، شهری یا روستایی، مهاجر و پناهنده بودن‌شان ببیند. این مطالعه تطبیقی باید موقعیت‌های جهانی و فراملیتی این شهروندی‌ها را به حساب آورد. او ویژگی غرب‌محور و کور نسبت به جنسیت متعلق به بسیاری از نظریه‌پردازی‌های رایج در مورد شهروندی را نقد می‌کند. بحث او بویژه بر مسائل عضویت در جامعه، حق‌های گروه‌ها و تفاوت اجتماعی و شیوه‌های ساخته‌شدن تقابل‌هایی مانند عمومی/خصوصی و فعال/منفعل برای تفاوت ایجاد کردن میان انواع شهروندانی متمرکز است. به نظر او، برای آنکه بتوان شهروندی آدم‌ها را درست تحلیل کرد، بویژه در این روزگار قومی شدن از یکسو و جهانی شدن از سوی دیگر با سرعتی که روابط میان دولت‌ها و جامعه‌های مدنی در حال تحول است، شهروندی در بهترین حالت باید به شکل ساختی چندلایه تحلیل شود که همزمان برای عضویت آدم‌ها در انواع گروه‌های کوچک و بزرگ کاربرد داشته باشد. به این ترتیب، او انواع شهروندی را مطرح می‌کند که معیار آنها بیش از آنکه تطبیق یا عدم تطبیق‌شان با الگوی مرد فعال مستقل و بهره‌مند از شأن یک شهروند باشد، پیوندی است که فرد با گروه خود، اعم از خانواده، جامعه کوچک محلی، جامعه قومی، ملت، دولت و جهان برقرار می‌کند. تأکید دیویس بر پیوند اشخاص با جامعه کوچک خود است که مردسالاری آن را نشانه عدم استقلال و وابستگی می‌داند و زنان را هم به بهانه تابع همین پیوندها بودن از حقوق شهروندی کامل محروم می‌داند ۶۹ (Yuval, 1997: 27-11).

مفهوم شهروندی در حقوق ایران

اصطلاح شهروند در متن بسیاری از مقررات بکار رفته است. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۳۸/۰۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می‌رسد که شهروند در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه افراد را صرف‌نظر از تابعیت و اقامت، در برمی‌گیرد. درحالی‌که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۳۸/۰۲/۱۲ در تبصره ۴ ماده ۱ که، اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» بکار رفته است، به نظر می‌رسد که منظور از شهروند فقط تبعه است. همچنین در آئین‌نامه تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور درخصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۱۳۵۲/۰۳/۲۵ و در قانون معاهده اساسی روابط متقابل اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۰۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی، در ماده ۸ آن درخصوص تسهیلات برای روادید برای شهروندان طرف دیگر نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین

می‌توان گفت که در نحوه استفاده از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا بکار گرفته شده است، اما به لحاظ محتوایی، چنانکه در قسمت دوم ذکر می‌شود، در حقوق ایران در بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیراتباع، حسب مورد، تفاوت‌های جزئی یا کلی وجود دارد (پروین، ۱۳۸۷: ۹۸).

۱- افراد دارای حقوق شهروندی

بطور تاریخی مفهوم شهروندی وابسته به تبعه بودن است که مبتنی بر محروم کردن غیراتباع می‌باشد و در نتیجه گروه‌هایی که جزئی از اجتماع ملی نیستند محروم شده یا در حاشیه قرار می‌گیرند. طبق دیدگاه ناسیونالیستی و سنتی، شهروندی یعنی دریافت گذرنامه محل سکونت. با وجود این، برخی از قائلین به این دیدگاه کلاسیک مثل کاستلز و دیوسون می‌پذیرند که در کنار اصل خاک و خون اصل دیگری در حال رشد است که اهمیت زیادی دارد و آن اصل اقامت است. طبق ضابطه اقامت، افراد می‌توانند استحقاق شهروندی را با اقامت در یک کشور به دست آورند. اما این دسته از کلاسیک‌ها با اذعان به اهمیت روزافزون اقامت و با وجود اینکه قائل به حقوق بسیاری برای افراد مقیم دائم هستند، مثل حق کار، حق بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی، تضمین امنیت، حمایت در برابر بازگشت اجباری و دستیابی به آموزش و پرورش، این افراد، غیرتبعه را، نه بعنوان شهروند، بلکه شبه شهروند می‌نامند. تفاوت شهروند با شبه شهروند، در عدم بهره‌مندی شبه شهروند از حقوق سیاسی و عدم بهره‌مندی کامل در حقوق اجتماعی است (کاستلز و دیوسون، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

در حقوق ایران، طبق اصل ۲۳ قانون اساسی، «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکسی را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد». «انسان و مطالعات فرهنگی»
طبق اصل ۲۰: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». همچنین طبق اصل ۲۶: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

از جمله مهمترین حقوق اقتصادی-اجتماعی حق کار کردن و تأمین معاش است. در حقوق ایران، طبق اصل ۴۶ قانون اساسی: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی‌تواند بعنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». از جمله حقوق اجتماعی که

در زمره نیازهای اساسی انسان برای زندگی در جامعه است، حق مسکن می‌باشد. تأمین اجتماعی نقش مهمی در حق رفاه برای افراد دارد. مجموعه اقدامات سازمان‌یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بیکاری، حادثه ناشی از کار، پیری، از کار افتادگی و مرگ سرپرست خانوار) پیش‌بینی و انجام می‌دهد، تأمین اجتماعی نامیده می‌شود. در حقوق ایران در بند سوم اصل سوم قانون اساسی «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه و تمام سطوح و تسهیل و تصمیم آموزش عالی» پیش‌بینی شده است.

از جمله حقوق فرهنگی، برخورداری از حق عمل به تعالیم دینی و عدم ایجاد محدودیت برای اقلیت‌های دینی و داشتن عبادتگاه‌های خاص خودشان است. در حقوق ایران نیز طبق اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، مذاهب دیگر اسلامی، غیر از جعفری اثنی‌عشری و نیز سایر مذاهب اهل سنت، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی و نیز ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی در انجام مراسم دینی خود آزاد هستند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی برطبق آئین خود عمل می‌کنند. همچنین طبق اصل ۱۵، «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». در اصل ۱۹ نیز ذکر شده است که: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

۷۱ حقوقی مثل حق زندگی (ماده ۳) منع حبس و اعلامیه، منع شکنجه (ماده ۵)، حق مالکیت (ماده ۷۱)، حق آزادی بیان و عقیده (ماده ۹۱)، منع حبس و توقیف و تبعید خودسرانه (ماده ۹) مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است و حقوق بشر محسوب می‌شود. اما موادی در اعلامیه جهانی حقوق و دو میثاق مربوط به آن وجود دارد که به نظر نمی‌رسد ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان باشد و ابزار اجرا و محافظت از حقوق بشر و در واقع حقوق شهروندی است، نه حقوق بشر به معنی دقیق کلمه، مثل ماده ۸ اعلامیه در مورد حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه، ماده ۱۰ اعلامیه در مورد رسیدگی در دادگاه مستقل و بطور علنی، ماده ۲۰ اعلامیه در آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز، ماده ۱۲ اعلامیه در حق نایل شدن به مشاغل عمومی کشور و بند ۳ همین ماده در انجام انتخابات به نحو عمومی و با رأی مخفی و موارد بسیاری نظیر آن وجود دارد که گرچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است، ولی به نظر می‌رسد که حقوق شهروندی است نه حقوق بشر. همچنین در میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ نیز موادی مثل ۱۰ آن در نگاهداری جداگانه متهمین از محکومین، ماده ۱۱ آن منع زندانی کردن افراد به دلیل عدم قدرت به اجرای تعهدات قراردادی، ماده ۱۴ آن در حق سوال متهم از شهود، به نظر می‌رسد که از حقوق شهروندی است، نه از حقوق بشر. در مقابل مواردی وجود دارد که بین حقوق بشر و حقوق شهروندی

مشترک هستند، یعنی هم ناشی از حیثیت و کرامت و ذاتی انسان است و هم اینکه به دلیل زندگی در یک اجتماع معین است و تحت تأثیر امکانات جامعه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کند، می‌تواند متفاوت از جامعه‌ای دیگر باشد، مثل ماده ۱۲ اعلامیه جهانی در منع مداخله در زندگی خصوصی، امور خانوادگی و اقامتگاه و مکاتبات اشخاص، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی درباره تأمین سطح زندگی، سلامتی و رفاه شخص و خانواده‌اش و حمایت در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا و از کار افتادگی، بند ۲ ماده ۵۲ اعلامیه، درباره حق بهره‌مندی ویژه مادران و کودکان از کمک و مراقبت و بهره‌مندی از حمایت اجتماعی و نیز ماده ۲۴ آن در حق استراحت و فراغت و تفریح برای اشخاص و محدودیت معقول ساعات کار. خلاصه حقوق شهروندی به انواع زیر قابل تقسیم است:

الف - حقوق مدنی

این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری.

ب - حقوق سیاسی

حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در برمی‌گیرد. ۷۲
حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی.

ج - حقوق اقتصادی-اجتماعی

حقوق اقتصادی-اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، موارد زیر را در برمی‌گیرد: حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی-بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی.

د - حقوق فرهنگی

حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت‌ها، حق دستیابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهمترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان ۱۳۸۴: ۵۶).

ه- حقوق قضایی

بهره‌مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضایی، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهمترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می‌گردد (پروین، پیشین: ۱۰۲). در حقوق ایران نیز در اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم تمامی افراد ذکر شده است. طبق اصل ۱۵۶، قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و نیز احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع قرار داده شده است.

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. هرچند که عنوان این قانون (حفظ حقوق شهروندی) کلی است، اما مواد آن در جهت حفظ حقوق قضایی شهروندی است و از مواد آن برمی‌آید که بین ایرانی و غیرایرانی، این قانون قائل به تبعیض نشده است و شامل همه افراد است، مثل لزوم رعایت اصل برائت، حق دفاع متهم، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس، اصل منع دستگیری و بازداشت افراد، منع شکنجه و عدم ایدای متهمین.

۲- حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم

۷۳

پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مرحله دادرسی، مرحله کشف جرائم است. در این مرحله، روانشناسی و حقوق در هم می‌آمیزد. برخلاف مراحل دیگری که بیشتر بار حقوقی دارد، این مرحله عمدتاً بار روانی دارد. نمی‌توان بحث کشف جرم و حقوق متهم را بدون پیوند عمیق با جنبه‌های روانی مورد بحث قرار داد، بلکه اساساً فلسفه حقوق شهروندی متهم در مرحله کشف جرم، جنبه‌های روانشناختی دارد. این مرحله است که سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند، ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند. توضیح آنکه، هرگاه در این مرحله، دلایل و قراین کافی علیه متهم جمع‌آوری شود، با صدور قرار مجرمیت و متعاقب آن با صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه جزایی ارسال می‌شود، در غیر اینصورت برحسب مورد، قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۵۲).

امروزه پلیس با روش‌های علمی به کشف جرم می‌پردازد و حتی درخصوص قتل، تحقیقات جنبه کاملاً فکری و ذهنی دارد و کشف جرم با استفاده از شیوه‌های سنتی متهم‌آزاری نیست. پلیس مانند یک عنصر محقق در قالب یک پروژه فکری بکار می‌پردازد و اگر به اندازه کافی دلایل جمع کرد اقدام به بازرسی از منزل یا بازداشت موقت می‌کند (اعتدال، ۱۳۷۷: ۷۳). کشف جرائم و در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق شهروندی متهمان و نیز حفظ حیثیت افراد شریف و پاکدامن و جلوگیری از صدور محکومیت‌های

ناروا که از اهم اهداف آئین دادرسی کیفری است، همه ارتباط دقیق با نظم جامعه داخلی و همچنین بین‌المللی دارد. بدیهی است بنابر آنچه متقدمان و متخصصان حقوق کیفری امروزی گفته‌اند، حفظ جامعه در قبال خطر بزهکاران با وضع و تصویب قوانین کیفری کم و بیش شدید تأمین نخواهد شد، بلکه قوانینی که کشف سریع و علمی جرم و محکومیت قطعی بزهکار به مجازات را ممکن سازد در تحقق این هدف مفید و موثر خواهد بود.

آئین دادرسی کیفری باید طوری تدوین شود که با پیش‌بینی سازمان‌های قضایی و انتظامی مجهز و متشکل از متخصصان در رشته‌های مختلف اعم از حقوقی و کیفری با تفکیک صلاحیت هریک و ایجاد تأمین‌ها و تضمین‌های ضروری در دادرسی و مدافعات طرفین، اجرای عدالت کیفری را ممکن کند. بدیهی است در حفظ منافع جامعه نباید حقوق و منافع فرد قربانی نابود شود؛ زیرا اگر عدالت اقتضا می‌کند که بزهکار واقعی به مجازات محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است، امکان دفاع از خود را داشته باشد (مدنی، ۱۳۸۰: ۴).

۳- راهکار تقویت حقوق شهروندی

موفقیت مردم‌سالاری منوط به وجود جامعه‌ای است که مردم آن، علاوه بر بلوغ دموکراتیک به حقوق و تکالیف شهروندی خود نیز واقف باشند. تلاش برای ایجاد دموکراسی در جوامعی که مردم آن به حقوق و تکالیف شهروندی خود آگاه نیستند، می‌تواند موجب بروز هرج و مرج‌های اجتماعی شود (رحمتی، ۱۳۸۴: ۹). باتوجه به موارد مذکور، شایان ذکر است در تمام اسناد و مقررات ملی و بین‌المللی که تاکنون در خصوص حقوق شهروندی وضع شده است، این اتفاق نظر وجود دارد که بشر از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که باید الزاماً و بگونه‌ای موثر از آن حمایت شود و دولت‌ها موظفند در صورت نقض این حقوق، تدابیر مطمئنی برای احقاق حقوق افراد فراهم آورند. استقرار نظم عمومی در یک جامعه پیشرفته محتاج به قوانینی است که محتوای آن با معیارهای صحیح سنجیده شده و شایستگی و توان پاسداری از نظم جامعه را داشته باشد. در میان انبوه مقررات، قوانین کیفری بطور قطع و بالاخص مقررات مربوط به دادرسی کیفری نقش عمده‌ای در بقا و دوام نظم جامعه ایفا می‌کنند.

۴- مقررات آئین دادرسی کیفری

مقررات آئین دادرسی کیفری که ناگزیر از تغییر و تحول دائمی و انطباق آن با جامعه‌ای پیشرفته و متمدن است، باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت را در سطح تمدن جهانی عصر حاضر تأمین کند. قوانین آئین دادرسی کیفری، وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بتواند بین دو حق، یعنی حق جامعه

که از جرم متضرر شده از یکسو و حق انسانی که فعلاً متهم شناخته شده است از سوی دیگر، تعادل ایجاد کند (آشوری، ۱۳۷۸: ۳۷).

امروزه قوانین آئین دادرسی کیفری در بسیاری از کشورهای جهان در جریان اصلاح و تغییرات اساسی قرار گرفته است. این اصلاحات عمدتاً ناظر به اصول حاکم بر آئین دادرسی و رعایت حقوق شهروندی متهمان است. هرچند عواملی که باعث این تحول در نظام کیفری می‌شود متعدد است، اما در اصل یک هدف مشترک در آن دیده می‌شود، که عبارت است از تلفیق حقوق شهروندی با آنچه که عدالت کیفری مفید و موثر به آن نیاز دارد. در اعمال این هدف، نوع جرم تأثیری ندارد (همان، ۱۴۳). چنانچه فی‌المثل جرائمی از قبیل تروریسم و یا جنایت سازمان یافته و یا جرائم مواد مخدر هرچند پراهمیت‌اند ولی سرکوبی یا پیشگیری از فزونی آن به هر حال و به هر کیفیت باید با رعایت حقوق شهروندی انجام پذیرد.

در قوانین موضوعه ایران بر ضرورت احترام به حریم خصوصی افراد تأکید شده، بنحویکه ماده ۴۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرسانیدن نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابراتی تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره، نرسانیدن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون و در مواردی که ضرورت آن برای کشف جرم احراز شود».

به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی، ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی و مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آئین دادرسی ۷۵ کیفری، هر متهمی حق دارد بداند که هیچ‌یک از ضابطان دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیستند وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش کنند. ضرورت رعایت کرامت انسانی و برخورد مناسب با متهم در بند ۴ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بیان شده است. براساس این ماده، با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات شود (هاشمی شاهرودی، پیشین: ۶۲).

براساس بند یک از ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «... درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار شود» (رحمتی، پیشین: ۴۱). بند یک ماده ۷۱ میثاق مذکور نیز مقرر می‌دارد «... همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود». در واقع نیز اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در این خصوص مقرر می‌دارد که «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». اصل ۲۲ این قانون نیز مقرر می‌دارد که حیثیت اشخاص، جز در مواردی که قانون تجویز کند، از تعرض مصون است (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

۵- موانع مشارکت کارمندان و عدم تعلق آنها به نظام اداری ایران

نظام اداری ایران موانعی را در راه مشارکت کارکنان ایجاد کرده که ناشی از ساختار نظام اداری است و رفته‌رفته مشارکت کارکنان را در امور سازمان کم‌رنگ‌تر می‌کند. این موانع عبارتند از: از اعمال مدیریت محافظه‌کارانه به جای مدیریت مشارکتی از سوی مدیران دولتی، نقش کارمندان اجرای روزبه‌روز کارهاست و نه نفوذ در خطمشی‌ها، هنجارهای اجتماعی که بخشی از فرهنگ عمومی یک جامعه را پدید می‌آورد نیز در شمار موانع مشارکتی به حساب می‌آید، عدم تعلق سازمانی کارکنان، مغایرت اهداف فرد و سازمان، تمرکز قدرت در دست گروهی محدود، وجود سبک‌های مختلف مدیریتی و رهبری و عدم وجود یک بستر فرهنگی مناسب برای مشارکت از آن جمله است. در بخش دولتی ایران، همکاری و مشارکت کارکنان در اداره امور سازمان با مسائل، مشکلات و موانعی روبرو است که تعدادی از آنها به سیستم دولتی برمی‌گردد و برخی نیز ناشی از ضعف کارکنان، مدیران و قوانین و مقررات است. برای اینکه کارکنان با آسودگی خاطر در برنامه‌های مشارکتی شرکت کنند، سازمان مربوط باید سعی کند که تا در حد امکان، موانع را از سر راه کارکنان بردارد و بخشی که به خود کارکنان مربوط می‌شود را نیز از طریق آموزش‌های لازم برطرف سازد. اصولاً در سازمان‌های دولتی، چون انگیزه لازم برای مشارکت وجود ندارد، لذا کارکنان به سازمان خود تعلق خاطر ندارند و همیشه خود را نسبت به آن بیگانه می‌پندارند. در صورتیکه در بخش خصوصی، به علت وجود انگیزه کافی، تعلق سازمانی کارکنان بالاست. تحقیقات نشان می‌دهند که بیشتر افراد، در صورتی که فرصت کافی برای نفوذ در فرایندهای اداری و پیامدهای اداری داشته باشند، میل به مشارکت در آنها افزایش خواهد یافت. تغییر تکنیک‌های مشارکتی جهت اعمال صحیح و موثرتر، مستلزم آن چیزی است که دلیلیون می‌گوید.

۷۶

۶- وظایف یک شهروند خوب برای یک نظام اداری مناسب

- شهروندان خوی همکاری و خودگردانی دارند و در کنار نگهداشت هویت‌های ویژه خود عضویت‌شان در دیگر هویت‌های گروهی را نیز حفظ می‌کنند و برای تحقق این هدف، با برپا کردن انجمن‌های گوناگون، منافع شخصی و عمومی را پیوند می‌دهند.

- شهروندان دارای نقش‌های جداگانه هستند و از حقوق، امتیازات و مسئولیت‌های این نقش آگاهند و آنرا پیگیری می‌کنند.

- شهروند در کارهای عمومی جامعه مشارکت می‌کند. در واقع شهروندان در زمینه‌های گوناگون، از نگهداری امکانات عمومی و منابع طبیعی گرفته تا بازسازی مدرسه محل و آسفالت خیابان خود احساس مسئولیت می‌کنند.

- شهروندان با برپا کردن نهادهای مستقل از دولت، به مشارکت و نظارت بر تصمیم‌گیری‌های دولتی و اجرای آنها می‌پردازند.

- شهروند در مورد کارهای جامعه منتقد است و عقاید سنجیده‌ای دارد، اما فضیلت اصلی یک شهروند، میانروی و انصاف در داوری و انتقاد است؛ یعنی یک شهروند در همان حال که نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به باد انتقاد می‌گیرد، هرگاه همین نهادها تهدید شوند، از آنها دفاع می‌کند.

- شهروند، دیگران را شهروندی برابر با خود می‌داند و می‌پذیرد که ارزش و اعتبار و هویت آن شهروند به اندازه خود اوست.

- حس مشارکت و سهم بودن، در سرشت یک شهروند، بعنوان یک ضرورت وجود دارد که حسی دلیپذیر است.

۷- آموزش شهروندی

اصلی‌ترین موضوع در زمینه حقوق شهروندی، آشنایی شهروندان با قانون‌ها و مقررات جاری است، ولی چنانکه گفته شد، بسیاری از شهروندان با اینکه در شهر زندگی می‌کنند، آگاهی درستی از حقوق و تکالیف خود ندارند. این پرسش پیش می‌آید که برای شتاب بخشیدن به فرایند تبدیل شهرنشینان به شهروندانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه عمومی که به حقوق خود آگاه باشند چه باید کرد؟ به همانگونه که آراستگی به هر هنر و مهارت، در گرو تمرین و پشتکار است، شهروند شدن نیز نیازمند یادگیری و آموزش و سپس تمرین است. این تمرین‌ها باید با همکاری و مشارکت شهروندان و با پشتیبانی مادی و معنوی نهادهای مسئول آموزش داده شود. بر سر هم، پژوهش‌های گوناگون نشان داده است که تحصیلات و آموزش نقشی تعیین‌کننده در مشارکت افراد در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، بعنوان شهروند دارد. پیش از هر چیز، افراد باید تا اندازه‌ای از آگاهی‌هایی برخوردار شوند که در پرتو آن وظایف، تعهدات و حقوق شهروندی و اجتماعی خود را دریابند و با چند و چون کار نهادهای اجتماعی و آنچه در آنها می‌گذرد به خوبی آشنا شوند. همچنین، برای اینکه دولت‌ها بتوانند وظایف خود را به شایستگی انجام دهند، شهروندان باید به بسیاری از قوانین و مقررات در زمینه‌های گوناگون همچون پرداخت مالیات، خدمت سربازی، نگهداشت اموال عمومی، رعایت بهداشت، چگونگی رویارویی با رخدادها و ... آشنایی داشته باشند. شهروندان بی‌بهره از چنین آگاهی‌ها و ناآشنا به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود، نه می‌توانند گره از مشکلات خود بکشایند، نه باری از دوش دولت بردارند. بدین‌سان، بایسته است که در هر جامعه، امکانات و ابزارهایی برای آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایشان فراهم آید (نجفی، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۸). در ایران، چه بسا کسان که همه نشیب و فراها در زمینه حقوق شهروندی را به پای

دولت می‌گذارند. با این برداشت، اگر حقوق، از جمله حقوق شهروندی در جامعه بالندگی یافته، باید آن را مایه گرفته از خواست و اراده دولت دانست؛ و اگر جامعه نتوانسته است به سطح درخوری از معیارهای حقوق شهروندی دست یابد، این دولت است که نخواستہ جامعه چنان که باید از حقوق شهروندی بهره‌مند شود در اینگونه نگرش که از دیرباز کمابیش در اندیشه سیاسی، اجتماعی و حقوقی ایران وجود داشته، نقش و اهمیت مناسبات اجتماعی در شکل‌گیری و چند و چون ساخت حقوقی در سایه می‌ماند و حقوق جاده‌ای یکسویه معنا می‌شود که بود و نبودش تنها وابسته به خواست و اراده دولت است و روندگان این جاده چیزی بیش از عناصر منفعل و شکل‌پذیر و بازیگر نمایشنامه دولت نوشته نیستند. مسئولیت افراد یا به تعبیر بهتر شهروندان، در چنین دیدگاهی سخت اثرپذیر است. در واقع، با این‌گونه نگرش به مفهوم حقوق شهروندی، در عمل مسئولیت شهروند در زمینه دگرگونی‌های حقوق شهروندی، کنار گذاشته می‌شود؛ در حالیکه درباره حقوق شهروندی، ملت و تک‌تک شهروندان با دولت مسئولیت مشترک دارند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۷).

۸- رابطه مردمان و دولت در چارچوب حقوق شهروندی امروزی

برپایه آنچه گفته شد، رابطه دولت و مردمان در چارچوب حقوق شهروندی امروزی، بیش از آنکه بر آمریت دولت و اقتدار آن استوار باشد. بر «رابطه دوسویه» و همکاری نهاده شده است. اگرچه در برخی موارد مهم حاکمیت دولت اعمال می‌شود، اما بیشتر، حقوق و تکالیف ویژه‌ای برای تحقق حقوق شهروندی بر دوش دولت و مردمان قرار می‌گیرد. امروزه، حقوق شهروندی بهترین زمینه را برای مشارکت شهروندان در کارهایی که پیش از این به هیچ‌رو حق دخالت در آن نداشتند، فراهم می‌سازد. شهروندان از راه شوراهای برگزیده خویش، در قانونگذاری و اداره امور شهر خود دخالت می‌کنند (افضلی و حسام، ۱۳۸۹: ۲۶۷). از دیدگاه کارکرد، در نظام‌های لیبرال، نقش دولت بیشتر در راستای تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان است، بگونه‌ای که این حقوق و آزادی‌ها زیر پا گذاشته نشود. در این ساختار، دولت داور است بیطرف که تنها برپایه آنچه شهروندان می‌خواهند، عمل می‌کند؛ البته تضمین آزادی‌ها هدف نهایی نیست. دولت با دخالت خود، زمینه برخورداری همه شهروندان از حقوق اجتماعی را فراهم می‌سازد. برای نمونه، تأمین اجتماعی و پشتیبانی از حقوق عمومی از کارکردهای دولت است. در مواردی نیز دولت فاقد عنوان بیطرفی است. دولت این حق را دارد که آزادی شهروندان را منوط و محدود به رعایت حقوق دیگران کند. لیبرال‌ها و اندیشمندانی همچون جان رالز، شهروندی را با حقوق فطری هر فرد معنا می‌کند؛ حال آنکه جامعه‌گرایان، آنرا حقوقی می‌دانند برخاسته از عضویت فرد در اجتماعی ویژه. نظام لیبرال حق را بگونه‌ای محض که ذاتی هر فرد است توصیف می‌کند و جامعه‌گرایان آنرا وابسته به جمع می‌دانند و گذشته از حق، وظایفی بر دوش شهروندان می‌نهند.

هرچند اندیشه‌های لیبرالیستی اثری بسزا در تحمیل پذیرش آزادی‌های شخصی به دولتمردانی که به هیچ‌رو بدان‌ها بها نمی‌دانند داشته، ولی با پذیرش حقوق عمومی و سیاسی برای شهروندان و تثبیت آن در گذر زمان، گرایش به دیدگاه‌هایی که در رابطه شهروند-دولت، جامعه را مدار بررسی قرار داده‌اند، افزایش یافته است. مفهوم «دولت رفاهی» زاییده این دگرگونی و نماد برجسته آن و نمود تعیین تکلیف برای دولت در زمینه فراهم آوردن بیشترین رفاه و تأمین اجتماعی برای شهروندان است. از دید قانونگذاری، حقوق شهروندی امروزی بر این نکته استوار است که پهنه قانونگذاری نباید خاستگاه مقرراتی خشک، فنی و محض (غیرتجربی) باشد. ایده قانونگذاری خلاق^{۷۹} برای تأکید دارد که قانون باید «مال جامعه» باشد و به تکالیف اجتماعی توجه کند. البته این ایده در زمینه شیوه اداره امور اجتماعی نیز بکار گرفته شده و بر لزوم سپردن اداره کارهای جامعه به شهروندان و مسئولیت‌پذیری ایشان انگشت گذاشته شده است (همان، ۱۱۸).

الزامات قضایی تضمین حقوق شهروندی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تضمین حقوق شهروندان، الزاماتی قضایی نیز در نظر گرفته شده است که مهمترین آنها عبارت است از: قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (اصل ۳۶)، عطف به ماسبق^{۷۹} نشدن قوانین اجتماعی (اصل ۱۶۹)، اصل برائت (اصل ۳۷)، منع بازداشت خودسرانه (اصل ۳۲)، ممنوعیت شکنجه (اصل ۳۸)، حضور هیأت منصفه در دادگاه برای رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی (اصل ۱۶۸) و ... (نجفی، پیشین: ۲۱۰).

در نظام حقوقی ایران، حکم قانون اساسی به «ایجاد نظام اداری صحیح و عادلانه» (اصل ۳) و نیز صراحت قانون مدیریت خدمات کشوری (قانون مدیریت) در بکارگیری اخلاق اسلامی و اداری برای خدمتگزاری به مردم و حفظ حقوق شهروندی (ماده ۲۵) می‌تواند مبنای خوبی برای نهضت اداره مطلوب تلقی شود. تدوین کنندگان قانون مدیریت تحت تأثیر ارزش‌های اداره مطلوب و اصول مدرن حقوق اداری بوده و بسیاری از اصول مهم و جدید حقوق اداری، همچون اصل برابری، اصل شفافیت، اصل پاسخگویی، را در این قانون مورد توجه قرار داده‌اند (Petoff (B), 2016: 94-107). این مسأله ناشی از تحول اندیشه‌ها و رویکردهایی است که در طول تاریخ به اداره و نحوه تعامل آن با شهروندان وجود داشته است. از آنجا که اداره مطلوب، فرآیندها و آئین‌های اداری را به بهترین نحو ممکن شکل داده و بهینه و شایسته می‌سازد، تأثیر مستقیم بر حقوق شهروندان داشته و شاید مهمترین عامل در ارائه شایسته خدمت عمومی و تکریم حق‌های شهروند باشد. دستگاه‌های دولت باید اصول اداره مطلوب را بطور متحدالشکل و همگام با بهترین روش‌های روز اداره

امور عمومی بکار بسته و به ارائه خدمات عمومی به بهترین شکل آن بپردازند. برقراری حکومت‌مداری مسأله‌ای است که در ابتدای امر به سیاستگذاری کلان موجه و حساب شده مقامات عالی‌رتبه سیاسی بستگی دارد و پس از آن، کیفیت عملکرد سازمان‌ها و مأموران اداری از یکسو و حضور فعال، پویا و مستمر شهروندان در اداره امور از سوی دیگر، تحقق عملی آن را رقم می‌زند، اما اداره مطلوب حتی در حداکثر حالت خود، کمتر به امر سیاستگذاری و نقش‌آفرینی شهروندان بستگی دارد و بیشتر، حاصل امر مسئولانه مقامات و دستگاه‌های اداری است (Grimheden, 2016: 109-122). از اینرو باید بدنه اداری حکومت در بهترین حالت خود عمل نماید و وظایف بنیادین خود را با حداکثر مسئولیت‌پذیری و دلسوزی انجام دهد. برای این منظور، امروزه تنها به اعمال دستگاه‌های دولتی توجه نمی‌شود، بلکه با عنایت به هنجارهای اداره مطلوب، کیفیت عملکرد آنها هم مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا، مهمترین عامل کنترل دستگاه‌های اداری در چارچوب وظایف بنیادین خود و لحاظ اصول کلی حقوق اداری، امر نظارت است که در نظام‌های حقوقی پیشرفته مورد توجه بسیار قرار می‌گیرد (Michael, 1999: 112-126).

۱- اخلاق‌مداری اسلامی

اساساً تشکیل دولت از سوی مردم، سامان دادن به امور، اجرای قوانین الهی و نظارت بر اجرای درست عدالت در جامعه است. بنابراین کارگزاران نظام اسلامی برای اینکه بتوانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند، باید ارزش‌های اسلامی را رعایت نموده و سرلوحه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود قرار دهند. توجه صرف به قانون، و ضابطه‌مندی سخت و انعطاف‌ناپذیر، دستگاه اداری را به یک ماشین خالی از روح و ارزش انسانی مبدل می‌سازد و چه بسا اینگونه برخورد با شهروندان، دستگاه‌های دولتی را از فلسفه وجود خود کاملاً دور می‌سازد. باید توجه نمود که به حکم آیه شریفه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)، بزرگترین و اصلی‌ترین وظیفه دستگاه‌های دولتی در اخلاق اسلامی، «تکریم ارباب رجوع» برپایه کرامت و ارزش والای انسانی است.

۲- ایجاد نظام اداری صحیح

ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور که در بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی بعنوان یکی از وظایف دولت بیان شده است، دربرگیرنده نظام عدالت اداری و ارزش‌های اداره مطلوب است. نظام عادلانه اداری، مشتمل است از اینکه کلیه تصمیمات و اقدامات اداری نسبت به اشخاص باید اولاً براساس یک رویه مشخص صورت پذیرد؛ ثانیاً در تمامی مراحل، اصل حاکمیت قانون رعایت شود؛ ثالثاً نظام مشخصی برای حل اختلافات در این حوزه پیش‌بینی شود (Petoft (A), Ibid: 1-6). اصولی همچون اصل برابری،

انصاف، آزادی، احترام به حقوق بنیادین، لاضرر، مصلحت عمومی، تناسب، تسریع در خدمات عمومی، ملاحظات مرتبط، شفافیت، پاسخگویی، معقولانه بودن، منع سوء استفاده از قدرت، استمرار، بیطرفی، انطباق، تقدم خدمات دولتی، اجماع - محوری، مشارکت عمومی، کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری و بسیاری دیگر که آرمان‌شهر اداری را به وجود می‌آورند. از آنجا که این اصول با خود ارزش‌هایی را به همراه دارد و این ارزش‌ها به دنبال صیانت از حقوق شهروندان می‌باشند، لذا علی‌القاعده، اصول اداره مطلوب با مضمون اصول کلی حقوق اداری در نظام حقوق اداری، حقوق شهروندی را صیانت می‌کند که در مقابل آن، دولت تکالیف مشخصی خواهد داشت (Hadavand, 2013).

نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین عوامل موثر بر توسعه همه‌جانبه، سرمایه اجتماعی است و شهروندی مولفه‌ای است که تحقق آن، بر این سرمایه می‌افزاید. همچنین شهروندمداری بعنوان یکی از اساسی‌ترین راهبردها، نقش مهمی را در توسعه اجتماعی کشورهای در حال توسعه بازی می‌کند. حقوق شهروندی که عمدتاً از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومت‌ها سعی در رعایت آن دارند، در بسیاری از حقوق مدنی، مثل حق امنیت، صیانت از حیثیت، جان، حقوق و مسکن اشخاص و نیز بهره اقلیت‌های دینی از احوال شخصیه خاص ۸۱ خود، در سیره نبوی و در حقوق ایران، حقوق شهروندی بطور یکنواخت و بدون تبعیض مورد مراعات است. بی‌گمان، تنها هنگامی می‌توان به این سطح از رشد اجتماعی دست یافت که شهروندان آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند. در کشور ما حقوق و قوانین مربوط به شهروندان پیچیدگی‌ها و نارسایی‌های بسیار دارد و پاسخگوی نیازها و خواسته‌های شهروندان نیست. برای نمونه، حتی در قانون اساسی اصطلاح حقوق شهروندی به روشنی بکار نرفته و از تعابیری دیگر در این زمینه بهره گرفته شده است از اینرو هدف در این پژوهش پاسخگویی به این پرسش‌ها است که چه قوانینی در کشور در پیوند با حقوق شهروندی وجود دارد و چه تضمین‌هایی برای اجرای این قوانین در نظر گرفته شده است.

اصول حقوق شهروندی ایجاب می‌کند تا نظام اداری براساس رعایت حقوق یک شهروند پی‌گذاری گردد و پایمال شدن حقوق شهروندی در سیستم قضایی حذف گردد. باتوجه به مبحث بیان شده نظام اداری یک کشور یکی از مهمترین مراجع درک رعایت شدن یا نشدن حقوق شهروندی است چرا که می‌تواند بسیار در این زمینه تاثیرگذار باشد از اینرو در دستور کار قراردادن هر چه بیشتر رعایت حقوق شهروندی توسط مراجع قضایی صالح بر رفتار و عملکردهای اداره در سیستم اداری می‌تواند در تحقق هر چه بهتر حقوق شهروندی در جامعه موثر واقع شود و این امر مستلزم درک اصول و مبانی حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی

بعنوان رکن اصلی برآورده شدن آرمان‌های یک جامعه بدون بی‌عدالتی در سیستم اداری نیاز به توجه قانون- گذار به اصول حقوق شهروندی در روند سیستم اداری و گنجاندن اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری کشور دارد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۸۷)، **عدالت کیفری**، چ ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۲- اعتدال، محمد (۱۳۷۷)، **آئین دادرسی کیفری در نظام نوین قضایی ایران**، چ ۱، شیراز: انتشارات نوید.
- ۳- افضل‌ی، رسول و حسام، مهدی (۱۳۸۹)، «حقوق شهروندی در ایران»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۲۷۹ و ۲۸۰.
- ۴- پروین، فرهاد (۱۳۸۷)، «حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران»، **پژوهش‌های اجتماعی اسلامی**، ش ۷۲.
- ۵- رحمتی، حسین (۱۳۸۴)، **حقوق شهروندی**، چ ۱، قم: نشر نگین.
- ۶- کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیستر (۱۳۸۲)، «مهاجرت و شهروندی»، مترجم: فرامرز تقی‌لو، **پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی**.
- ۷- گلدوزیان، مریم‌السادات (۱۳۸۴)، «حق دارا بودن تابعیت بعنوان حق بشری و چگونگی اعمال آن در حقوق داخلی ایران»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی**.
- ۸- محسنی، فرید (۱۳۸۶)، **گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی**، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۹- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۰)، **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات پایدار.
- ۱۰- نجفی، رضا (۱۳۸۴)، «مفهوم حقوق شهروندی و تضمین حقوق قضایی شهروندان در نظام حقوقی ایران»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران**.
- ۱۱- نوروزی، کامبیز (۱۳۸۵)، «حقوق شهروندی، مسئولیت مشترک دولت و شهروند»، **فصلنامه نامه**، ش ۵۳.
- ۱۲- هاشمی شاهرودی، سید محمد (۱۳۸۶)، «شهروندمحوری در عرصه عدالت؛ دکترین آیت‌اله هاشمی شاهرودی»، **مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات.

لاتین:

- 1- Hadavand Moind (2013). Principles Administrative Law. *NewYork: Khorsandi.*
- 2- Grimheden, Jool (2016). The right to Good Administration in Multilevel System of the European Union. *In Human Rights and Good Governance.* Edited by Zhang.
- 3- Michael, Hall (1999). Administrative Justice in the 21st Century. *Oxford: Hart Publishing.*
- 4- Petoft, Albert (A) (2016). Concept and scope of the general principles of Administrative law and referring possibility in the judicial procedure. *The Judiciary Research Institute Publishing Center.* Jungle Publishing.
- 5- Petoft, Aley (B) (2016). Concept and scope of the general principles of administrative law and referring possibility in the judicial procedure. *The Judiciary Research Institute Publishing Center.* Jungle Publishing.
- 6- Yuval, Davis (1997). Women, Citizenship and difference. *In: Feminist Review.* Vol 57. No 1.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی